****

[تکمیل خصوصیّت دوم (وقت غسل عیدین) 1](#_Toc38707433)

[بررسی استحباب غسل در شب عید فطر 3](#_Toc38707434)

[بررسی استحباب غسل در شب عید قربان 4](#_Toc38707435)

[چهارم: غسل روز ترویه 4](#_Toc38707436)

[پنجم: غسل روز عرفه 5](#_Toc38707437)

[ششم: غسل روزهائی از ماه رجب 6](#_Toc38707438)

[هفتم: غسل روز غدیر 7](#_Toc38707439)

**موضوع**: خصوصیّات /غسل عید فطر و عید قربان /أغسال مستحبّی

**خلاصه مباحث گذشته:**

##### تکمیل خصوصیّت دوم (وقت غسل عیدین)

بحث در منتهای وقت غسل عیدین بود. مرحوم سیّد فرمود «إلی الزوال و یحتمل إلی الغروب». دیروز عرض کردیم که اختلاف بین دو نظر است؛ بعضی مثل مرحوم صاحب جواهر و عدّه­ای دیگر گفته­اند منتهای آن غروب است. و بعضی هم گفته­اند منتهای آن تا نماز است. اما عرض کردیم که إلی الزوال یک احتمال است، و قائل ندارد. و لکن مجدّداً که نگاه کردیم، دیدیم که مرحوم صاحب جواهر فرموده «و مال إلیه فی الریاض».

پس سه احتمال هست، إلی الزوال، إلی الصلاة و إلی الغروب. روایات که شبهه إلی الزوال داشت را خواندیم، و رسیدیم به موثقه عمار؛ به ضمّ اینکه زمان صلات هم زوال است، این هم دلالت بر زوال دارد. و لکن مرحوم صاحب جواهر و مرحوم خوئی جواب داده­اند که این روایت دلالت ندارد؛ فقط فرموده اگر وقت بگذرد، نمازش فوت شده است؛ اما نسبت به غسل ساکت است. ما هم گفتیم اشعار دارد و دلالت ندارد.

در تنقیح جواب دومی داده ست که در ذهن ما ربطی به استدلال ندارد. فرموده اینکه فرموده «فلعیه أن یغتسل و یعید الصلاة» یک امر استحبابی است؛ چون بلا اشکال آنی که نماز نمی­خواند، غسل عیدین در حقّش هست. هم اطلاقات داریم، و هم مسلّم است. پس این روایت، دلالت بر منتهای وقت غسل نمی­کند.

و لکن در ذهن ما این جواب را نفمیدیم، این جواب ربطی به استدلال ندارد. مُستدِل به «إن مضی الوقت فقد جازت صلاته» تمسّک کرده است. همین که وقت نماز رفت، وقت غسل هم رفته است. به ذهن می­زند اینکه اعاده غسل ندارد، از باب این است که وقتش رفته است؛ که وقتش همان وقت صلات است.

و اما دلیل قول إلی الزوال، روایت فقه رضوی است؛ که سند ندارد.

و از آنچه بحث کردیم، معلوم شد که إلی الصلات هم وجهی ندارد. که مرحوم ابن ادریس و بعض دیگر می­گویند وقت غسل إلی الصلاة است؛ که غالباً جلوتر از زوال است. این هم وجهی ندارد. اطلاقات غسل یوم العید، إلی الغروب را می­گیرد. و علاوه بر فقه رضوی، به موثقه عمار هم استدلال کرده­اند. ﴿وَ بِإِسْنَادِهِ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عَلِيِّ بْنِ مَحْبُوبٍ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ الْحَسَنِ عَنْ عَمْرِو بْنِ سَعِيدٍ عَنْ مُصَدِّقِ بْنِ صَدَقَةَ عَنْ عَمَّارٍ قَالَ: سَأَلْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ (علیه السلام) عَنِ الرَّجُلِ يَنْسَى أَنْ يَغْتَسِلَ- يَوْمَ الْعِيدِ حَتَّى صَلَّى قَالَ إِنْ كَانَ فِي وَقْتٍ- فَعَلَيْهِ أَنْ يَغْتَسِلَ وَ يُعِيدَ الصَّلَاةَ- وَ إِنْ مَضَى الْوَقْتُ فَقَدْ جَازَتْ صَلَاتُه ُ﴾.[[1]](#footnote-1)

الجواب هو الجواب، که این روایت دلالتی ندارد بر اینکه منتهای وقت غسل تا صلات است؛ فرد أفضل را بیان می­کند. و از آن فرض دیگر که نماز نمی­خواند، ساکت است. نمی­خواهد بگوید که غسل مرتبط به نماز است.

و روایاتی که می­گفت «غسل یوم العیدین» اطلاق دارد. این روایات دلالت ندارد که منتهایش زوال است؛ و دلالت هم دارد که منتهایش صلات است.

ولی اگر دلالتش تمام بود، همان داستان تکرار می­شود که آیا می­توانست اینها مقیِّد آن اطلاقات بشود یا نمی­تواند؟

مرحوم خوئی می­گوید این روایت نمی­تواند مقیِّد آن مطلقات بشود؛ چون در مستحبات تقیید نداریم؛ و مستحبات را حمل بر افضل الأفراد می­کنیم.

و لکن ما می­گوئیم باید موردی نگاه کرد؛ اگر دلالت اینها تمام بود، ظاهر این روایت این است که اگر وقت نماز گذشت، دیگر وقت غسل نیست؛ و این تقیید می­زند روایاتی که می­گفت یوم العید؛ و مقیَّدش می­کند به إلی الزوال، یا إلی الصلاة. ما آیه و روایاتی نداریم که در مستحبات حمل بر أفضل الأفراد می­شود؛ بلکه به جهت فهم عرفی و غلبه است؛ و ربما در مستحبات هم تقیید است. اگر این ظهور در تحدید وقت داشت، ما وقت را تحدید می­کردیم.

مرحوم سیّد فرموده «و وقته بعد الفجر إلی الزوال و یحتمل إلی الغروب» که فتوی داده به اینکه وقت غسل تا زوال است، ولی إلی الغروب را به نحو احتمال می­گوید. و اینکه در ادامه فرموده «و الأولی عدم نیة الورود»، باید به جای أولی، أحوط بگوید؛ چون به إلی الزوال فتوی داد، و إلی الغروب احتمال است؛ و احتمال، مجوِّز قصد ورود نمی­شود. چون فتوی به إلی الزوال داد، باید بگوید که رجاءً تا غروب بیاورد.

در ادامه مرحوم سیّد فرموده «كما أن الأولى إتيانه قبل صلاة العيد لتكون مع الغسل». چون احتمال این هست که قول قبل از صلات العید، درست باشد.

#### بررسی استحباب غسل در شب عید فطر

مرحوم سیّد فرموده و همچنین مستحب است که در شب عید فطر هم غسل بکنند. «و كذا يستحب الغسل في ليلة الفطر و وقته من أولها إلى الفجر و الأولى‌ إتيانه أول الليل‌ و في بعض الأخبار: إذا غربت الشمس فاغتسل‌».[[2]](#footnote-2)

بر استحباب غسل لیلة الفطر، ادّعای اجماع و شهرت شده است؛ و همچنین از روایت حسن بن راشد می­توان استحباب را استفاده کرد. ﴿مُحَمَّدُ بْنُ يَعْقُوبَ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنِ الْقَاسِمِ بْنِ يَحْيَى عَنْ جَدِّهِ الْحَسَنِ بْنِ رَاشِدٍ قَالَ: قُلْتُ لِأَبِي عَبْدِ اللَّهِ (علیه السلام) إِنَّ النَّاسَ يَقُولُونَ- إِنَّ الْمَغْفِرَةَ تَنْزِلُ عَلَى مَنْ صَامَ شَهْرَ رَمَضَانَ لَيْلَةَ الْقَدْرِ- فَقَالَ يَا حَسَنُ إِنَّ الْقَارِيجَارَ[[3]](#footnote-3)- إِنَّمَا يُعْطَى أُجْرَتَهُ عِنْدَ فَرَاغِهِ وَ ذَلِكَ لَيْلَةُ الْعِيدِ- قُلْتُ جُعِلْتُ فِدَاكَ فَمَا يَنْبَغِي لَنَا أَنْ نَعْمَلَ فِيهَا- فَقَالَ إِذَا غَرَبَتِ الشَّمْسُ فَاغْتَسِلْ الْحَدِيث َ﴾.[[4]](#footnote-4)

مرحوم خوئی[[5]](#footnote-5) می­گوید قاسم بن یحیی و حسن بن راشد توثیق ندارند. ولی ما می­گوئیم این دو نفر مشکلی ندارند. دلیل مرحوم سیّد همین روایت است. حال از باب اینکه شهرت جابر ضعف سند است؛ که در ذهن ما همین است. یا از باب اخبار من بلغ این را فرموده است. یا اینکه لا أقلّ در جائی که خبرشان معمول به اصحاب است، می­گوئیم لا بأس به.

وقت غسل شب عید فطر از اول شب تا فجر است؛ چون لیل تا فجر است. مرحوم خوئی که آخر شب را طلوع شمس می­داند؛ باید بگوید که چرا وقت آن تا طلوع فجر است.

#### بررسی استحباب غسل در شب عید قربان

اما اینکه آیا شب عید أضحی، غسل دارد، یا غسل ندارد؟ مرحوم سیّد فرموده «و الأولى إتيانه ليلة الأضحى أيضا لا بقصد الورود لاختصاص النص بليلة الفطر».[[6]](#footnote-6) چون نصّ، مختص به شب فطر است؛ ولی چون عیدین در خیلی از جاها مشترک هستند، أولی این است که در شب عید قربان هم غسل بکند. برای أولی، یک احتمال استیفای ملاک کافی است؛ چون در أولی به شریعت استناد نمی­دهیم.

ممکن است کسی بگوید چون مرحوم سیّد قبول دارد که در لیلة الأضحی هم شهرت بر استحباب غسل هست؛ بنا بر اینکه اخبار من بلغ شامل فتوای فقهاء هم بشود، می­توانست فتوی به استحباب بدهد.

#### چهارم: غسل روز ترویه

الرابع: غسل يوم التروية‌ و هو الثامن من ذي الحجة و وقته تمام اليوم.

روز هشتم ذی الحجه به جهت اینکه برای رفتن به منی از زمزم آب بر می­داشتند، به آن ترویه گفته­اند. و وقت این غسل، تمام روز است؛ زیرا «یوم الترویه» اطلاق دارد.

غسل یوم الترویه، بحثی ندارد؛ چون روایات زیادی در این مورد داشتیم. مثل صحیحه محمد بن مسلم: ﴿وَ عَنْهُ عَنْ حَمَّادٍ عَنْ حَرِيزٍ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ مُسْلِمٍ عَنْ أَحَدِهِمَا (علیهما السلام) قَالَ: الْغُسْلُ فِي سَبْعَةَ عَشَرَ مَوْطِناً- لَيْلَةِ سَبْعَ عَشْرَةَ مِنْ شَهْرِ رَمَضَانَ وَ هِيَ لَيْلَةُ الْتَقَى الْجَمْعَانِ- وَ لَيْلَةِ تِسْعَ عَشْرَةَ وَ فِيهَا يُكْتَبُ الْوَفْدُ وَفْدُ السَّنَةِ- وَ لَيْلَةِ إِحْدَى وَ عِشْرِينَ وَ هِيَ اللَّيْلَةُ الَّتِي أُصِيبَ فِيهَا أَوْصِيَاءُ الْأَنْبِيَاءِ (علیهم السلام)- وَ فِيهَا رُفِعَ عِيسَى ابْنُ مَرْيَمَ (علیه السلام) وَ قُبِضَ مُوسَى (علیه السلام)- وَ لَيْلَةِ ثَلَاثٍ وَ عِشْرِينَ يُرْجَى فِيهَا لَيْلَةُ الْقَدْرِ- وَ يَوْمَيِ الْعِيدَيْنِ وَ إِذَا دَخَلْتَ الْحَرَمَيْنِ- وَ يَوْمِ تُحْرِمُ وَ يَوْمِ الزِّيَارَةِ وَ يَوْمِ تَدْخُلُ الْبَيْتَ وَ يَوْمِ التَّرْوِيَةِ وَ يَوْمِ عَرَفَةَ- وَ إِذَا غَسَّلْتَ مَيِّتاً أَوْ كَفَّنْتَهُ أَوْ مَسِسْتَهُ بَعْدَ مَا يَبْرُدُ- وَ يَوْمِ الْجُمُعَةِ وَ غُسْلُ الْجَنَابَةِ فَرِيضَةٌ- وَ غُسْلُ الْكُسُوفِ إِذَا احْتَرَقَ الْقُرْصُ كُلُّهُ فَاغْتَسِل ْ﴾.[[7]](#footnote-7)

در یوم الترویه کسی بحث نکرده است که آیا این غسل، مختصّ به حاجیان است، یا شامل غیر آنها هم می­شود؟ همین که شبهه داشتیم، نمی­توانیم به هر کسی تعدّی بکنیم؛ چون برای ما یوم الترویه نیست. در ذهن ما وجه اینکه فقهاء از این جهت بحث نکرده­اند، به این جهت است که مسلّم بوده است که مختصّ به حاجی­هاست.

#### پنجم: غسل روز عرفه

الخامس: غسل يوم عرفة‌ و هو أيضا ممتد إلى الغروب و الأولى عند الزوال منه و لا فرق فيه بين من كان في عرفات أو سائر البلدان.

روایات مستفیضه داریم بر استحباب غسل در روز عرفه. در صحیحه محمد بن مسلم، یکی از اغسال هفده گانه را غسل یوم العرفه مطرح است.

در اینجا چون اعمال از بعد از ظهر شروع می­شود، قدر متیقّنش این طرف (بعد از زوال) است. منتهی به والد مرحوم صدوق نسبت داده­اند که غسل عرفه مال عند زوال الشمس است. روایتی که می­تواند دلیل برای این قول باشد، روایت عبد الله بن سنان است. ﴿وَ عَنْهُ عَنِ النَّضْرِ بْنِ سُوَيْدٍ عَنِ ابْنِ سِنَانٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ (علیه السلام) قَالَ: الْغُسْلُ مِنَ الْجَنَابَةِ وَ يَوْمَ الْجُمُعَةِ وَ يَوْمَ الْفِطْرِ- وَ يَوْمَ الْأَضْحَى وَ يَوْمَ عَرَفَةَ عِنْدَ زَوَالِ الشَّمْسِ- وَ مَنْ غَسَّلَ مَيِّتاً وَ حِينَ يُحْرِمُ- وَ عِنْدَ دُخُولِ مَكَّةَ وَ الْمَدِينَةِ وَ دُخُولِ الْكَعْبَةِ- وَ غُسْلُ الزِّيَارَةِ وَ الثَّلَاثِ اللَّيَالِي فِي شَهْرِ رَمَضَان َ﴾.[[8]](#footnote-8) ما در جلسه قبل گفتیم قید «عند زوال الشمس» به آخری بر می­گردد.

و لکن استدلال به این روایت، درست نیست. اینکه در این روایت فرموده «عند زوال الشمس»، با توجه به اینکه در مورد مستحبّات است، نمی­تواند مخصِّص آن اطلاقات باشد؛ چون در این روایت فرد أفضل را بیان کرده است.

مرحوم سیّد فرموده «و الأولی عند الزوال منه» روایت را حمل بر أولی کرده است؛ که ما می­گوئیم أفضل عند الزوال است. اینجا مرحوم سیّد فرموده «و لا فرق فیه بین من کان فی عرفات أو سائر البلدان»، چون فرموده غسل یوم عرفه، و یوم عرفه برای همه است؛ و أعمال یوم عرفه برای همه است. چون روایت اطلاق دارد و گفته «یوم العرفه» و نگفته لمن کان فی عرفات.

#### ششم: غسل روزهائی از ماه رجب

السادس: غسل أيام من رجب‌ و هي أوله و وسطه و آخره و يوم السابع و العشرين منه و هو يوم المبعث و وقتها من الفجر إلى الغروب و عن الكفعمي و المجلسي استحبابه في ليلة المبعث أيضا و لا بأس به لا بقصد الورود.

أیامی از ماه رجب غسلش مستحب است. مورد أوّل، روز أوّل و روز وسط و روز آخر ماه رجب است. از نظر أقوالی ادّعای اجماع و شهرت شده است که این سه تا مستحب است.

از نظر روایت، یک روایتی از ابن طاووس در إقبال نقل شده که می­گوید ﴿وجدناه في كتب العبادات عن النبي عليه أفضل الصلوات انّه قال: من أدرك شهر رجب، فاغتسل في أوله و أوسطه و آخره، خرج من ذنوبه كيوم ولدته أمّه﴾.[[9]](#footnote-9) منتهی این روایت ابن طاووس از نظر سندی مشکل دارد، چون سند ندارد. فقط می­گوید «وجدنا فی کتب العبادات»، و اینکه این کتاب از چه کسی بوده است، معلوم نیست؛ و چون فرموده «عن النبی» شاید به سنی­ها بیشتر بخورد. لکن به ضمّ اخبار من بلغ که مرحوم سیّد قبول دارد، درست می­شود.

همان داستان دوباره می­آید که چون شهرت در مسأله است، بلکه ادّعای اجماع شده است؛ جابر ضعف سند باشد. به ذهن می­زند بعض اغسال که قدمای اصحاب در کتبشان به نحو مسلّم ذکر کرده­اند، بین شیعه مشهور بوده است، و نیاز به روایت نداشته است؛ و اینها مستحباتی بوده که از أئمّه (علیهم السلام) نقل کرده­اند؛ و بین شیعیان معروف و مشهور بوده است.

مورد دوم، روز بیست و هفتم ماه رجب که روز مبعث است. باز داستان اجماع، لا خلاف و شهرت بین علماء است؛ و روایت خاص ندارد. مگر به آن روایت مطلقی که به پیامبر نسبت داده شده است، که فرموده روز جمعه عید است و عید غسل دارد؛ استدلال شود. «عنه (صلى الله عليه و آله) أنه قال في جمعة من الجمع: «هذا اليوم جعله الله عيدا للمسلمين فاغتسلوا فيه»‌.[[10]](#footnote-10)

که این روایت هم نبوی است؛ و شاید مرحوم سیّد به همین نبوی استدلال کرده است. و در کتاب مستدرک یک روایتی را از تحف العقول نقل کرده است؛ که مشابه همین روایت است. ﴿الْحَسَنُ بْنُ عَلِيِّ بْنِ شُعْبَةَ فِي تُحَفِ الْعُقُولِ، عَنْ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ (علیه السلام) فِي الْأَرْبَعِمِائَةِ غُسْلُ الْأَعْيَادِ طَهُورٌ لِمَنْ أَرَادَ طَلَبَ الْحَوَائِجِ بَيْنَ يَدَيِ اللَّهِ وَ اتِّبَاعٌ لِلسُّنَّةِ ‌﴾.[[11]](#footnote-11)

و لکن تحف العقول هم سند ندارد. لعلّ مرحوم سیّد به این دو مطلقه تمسّک کرده است که یکی نبوی و یکی علوی است؛ و به ضمّ اخبار من بلغ گفته که مستحب است. این هم علی المبنی اگر کسی شهرت را تمام دانست، بعید نیست که بگوید مستحب است.

و وقت این غسل تا غروب است؛ چون «یوم» تا غروب است. اگر مرحوم سیّد روز بیست و هفتم و أیّام رجب را قبول می­کرد، باید بگوید که وقتش تا غروب است. اینجا دیگر روایت نداریم، و مثل مرحوم خوئی باید بگوید وقتش از طلوع شمس تا غروب است.

مرحوم سیّد در ادامه فرموده از کفعمی و مرحوم مجلسی، قول به استحباب غسل در شب عید مبعث نقل شده است؛ که مرحوم سیّد قول به استحباب را نمی­تواند قبول بکند؛ ولی فرموده اگر آن را بدون قصد ورود بیاورید، مانعی ندارد. «و عن الكفعمي و المجلسي استحبابه في ليلة المبعث أيضا و لا بأس به لا بقصد الورود» مرحوم سیّد در موارد قبل می­گفت به قصد ورود باشد؛ ولی در اینجا می­گوید لا بقصد الورود. مرحوم سیّد در روز بیست و هفتم فتوی داد؛ که گفتیم منشأ فتوایش، روایت نبوی و لعلّ علوی است؛ و آن روایات را نتوانسته به لیل تعدّی بدهد؛ و منحصر شده به قول کفعمی و مجلسی؛ و أخبار من بلغ هم اینجا نمی­آید.

#### هفتم: غسل روز غدیر

السابع: غسل يوم الغدير‌ و الأولى إتيانه قبل الزوال منه.

بین اصحاب معروف است که غسل روز غدیر مستحب است؛ بعضی ادّعای اجماع کرده­اند. و در روایت فقه رضوی هم غسل یوم الغدیر را دارد. ﴿فِقْهُ الرِّضَا، (علیه السلام) وَ الْغُسْلُ ثَلَاثَةٌ وَ عِشْرُونَ مِنَ الْجَنَابَةِ وَ الْإِحْرَامِ وَ غُسْلُ الْمَيِّتِ وَ مِنْ غُسْلِ الْمَيِّتِ وَ غُسْلُ الْجُمُعَةِ وَ غُسْلُ دُخُولِ الْمَدِينَةِ وَ غُسْلُ دُخُولِ الْحَرَمِ وَ غُسْلُ دُخُولِ مَكَّةَ وَ غُسْلُ زِيَارَةِ الْبَيْتِ- وَ يَوْمِ عَرَفَةَ وَ خَمْسِ لَيَالٍ مِنْ شَهْرِ رَمَضَانَ أَوَّلِ لَيْلَةٍ مِنْهُ وَ لَيْلَةِ سَبْعَ عَشْرَةَ وَ لَيْلَةِ تِسْعَ عَشْرَةَ وَ لَيْلَةِ إِحْدَى وَ عِشْرِينَ وَ لَيْلَةِ ثَلَاثٍ وَ عِشْرِينَ وَ دُخُولِ الْبَيْتِ وَ الْعِيدَيْنِ وَ لَيْلَةِ النِّصْفِ مِنْ شَعْبَانَ وَ غُسْلُ الزِّيَارَاتِ وَ غُسْلُ الِاسْتِخَارَةِ وَ غُسْلُ طَلَبِ الْحَوَائِجِ مِنَ اللَّهِ تَبَارَكَ وَ تَعَالَى وَ غُسْلُ يَوْمِ غَدِيرِ خُمٍّ الْفَرْضُ مِنْ ذَلِكَ غُسْلُ الْجَنَابَةِ وَ الْوَاجِبُ غُسْلُ الْمَيِّتِ وَ غُسْلُ الْإِحْرَامِ وَ الْبَاقِي سُنَّةٌ ‌﴾.[[12]](#footnote-12)

فرصت نکردم که نگاه کنم آیا مرحوم والد صدوق در شرایع این غسل را آورده است یا نه؛ که اگر ایشان این غسل را بیاورد، تمام است.

و از روایت علی بن الحسین العبدی هم استحباب غسل در روز عید غدیر استفاده می­شود. ﴿مُحَمَّدُ بْنُ الْحَسَنِ بِإِسْنَادِهِ عَنِ الْحُسَيْنِ بْنِ الْحَسَنِ الْحُسَيْنِيِّ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ مُوسَى عَنْ عَلِيِّ بْنِ حَسَّانَ عَنْ عَلِيِّ بْنِ الْحُسَيْنِ الْعَبْدِيِّ قَالَ سَمِعْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ (علیه السلام) يَقُولُ صِيَامُ يَوْمِ غَدِيرِ خُمٍّ يَعْدِلُ صِيَامَ عُمُرِ الدُّنْيَا إِلَى أَنْ قَالَ- وَ مَنْ صَلَّى فِيهِ رَكْعَتَيْنِ يَغْتَسِلُ عِنْدَ زَوَالِ الشَّمْسِ- مِنْ قَبْلِ أَنْ تَزُولَ مِقْدَارَ نِصْفِ سَاعَةٍ إِلَى أَنْ قَالَ- عَدَلَتْ عِنْدَ اللَّهِ مِائَةَ أَلْفِ حَجَّةٍ وَ مِائَةَ أَلْفِ عُمْرَةٍ الْحَدِيث َ﴾.[[13]](#footnote-13)

اینکه آیا مشهور به این روایت استناد کرده­اند یا نه، معلوم نیست؛ ولی فتوای مشهور طبق این روایت است.

ضعف این روایت، بخاطر محمد بن موسی الهمدانی و علی بن الحسن العبدی است. نسبت به محمد بن موسی الهمدانی، استاد شیخ صدوق، این را در نوادر الحکمه استنثاء کرده است و گفته ما از او روایت نمی­کنیم. و مرحوم صدوق هم گفته به تبع استادم ابن ولید از او روایت نمی­کنم. مهم العبدی است، حال اینها دو نفر یا یک نفر هستند؛ در رجال مهمل و یا مجهول هستند؛ و توثیق اینها ثابت نیست.

روی این حساب، مرحوم خوئی می­گوید در استحباب غسل یوم الغدیر اشکال است، و آن را مجزی از وضو نمی­داند. وجه دیگر همان روایت نبوی است که فرموده هر عیدی غسل دارد. با توجه به اینکه روز غدیر هم از أعیاد است؛ آن روایت شامل روز غدیر هم می­شود. ما که فقه ضمیمه­ای هستیم، می­گوئیم هم مقتضای فقه رضوی و مشهور و مقتضای ولایت، استحباب غسل در روز عید غدیر است.

1. [وسائل الشیعه، شیخ حر عاملی، ج3، ص330، ابواب أغسال مسنونة، باب16، ح3، ط آل البيت.](http://lib.eshia.ir/11025/3/330/جازت%20صلاته) [↑](#footnote-ref-1)
2. [العروة الوثقی، سید محمد کاظم یزدی، ج1، ص461 - 460.](http://lib.eshia.ir/10028/1/461%20-%20460/و%20هو%20منزل) [↑](#footnote-ref-2)
3. - معرَّب کارگر. [↑](#footnote-ref-3)
4. [وسائل الشیعه، شیخ حر عاملی، ج3، ص328، ابواب أغسال مسنونة، باب15، ح1، ط آل البيت.](http://lib.eshia.ir/11025/3/328/القاریجار) [↑](#footnote-ref-4)
5. [موسوعة الامام الخویی، ابوالقاسم خویی، ج10، ص44.](http://lib.eshia.ir/71334/10/44/توثیقهما) (و الرواية ضعيفة أيضاً لوجود القاسم بن يحيى و جده الحسن لعدم توثيقهما. إذن يبتني الحكم باستحباب الغسل في ليلة الفطر على التسامح في أدلّة السنن و هو مما لا نقول به). [↑](#footnote-ref-5)
6. [العروة الوثقی، سید محمد کاظم یزدی، ج1، ص461 - 460.](http://lib.eshia.ir/10028/1/461%20-%20460/و%20هو%20منزل) [↑](#footnote-ref-6)
7. [وسائل الشیعه، شیخ حر عاملی، ج3، ص307، ابواب أغسال مسنونة، باب1، ح11، ط آل البيت.](http://lib.eshia.ir/11025/3/307/یوم%20الترویه) [↑](#footnote-ref-7)
8. [وسائل الشیعه، شیخ حر عاملی، ج3، ص306، ابواب أغسال مسنونة، باب1، ح10، ط آل البيت.](http://lib.eshia.ir/11025/3/306/زوال%20الشمس) [↑](#footnote-ref-8)
9. - الإقبال بالأعمال الحسنة (ط - الحديثة)؛ ج‌3، ص: 173. [↑](#footnote-ref-9)
10. - كنز العمال ج- 4- ص 152- الرقم 3367. [↑](#footnote-ref-10)
11. [مستدرک الوسائل، محدث نوری، ج2، ص511.](http://lib.eshia.ir/11015/2/511/الأعیاد) [↑](#footnote-ref-11)
12. [مستدرک الوسائل، محدث نوری، ج2، ص497.](http://lib.eshia.ir/11015/2/497/یوم%20غدیر) [↑](#footnote-ref-12)
13. [وسائل الشیعه، شیخ حر عاملی، ج3، ص338، ابواب الأغسال المسنونة، باب28، ح1، ط آل البيت.](http://lib.eshia.ir/11025/3/338/یعدل) [↑](#footnote-ref-13)